

دیپلماسی علم و فن آوری ایران در افغانستان: فرصت‌ها و چالش‌ها

علی اصغر داودی*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۲)

چکیده

در جهان معاصر علم و فن آوری به عنوان ابزار تعامل و ایجاد ارتباطات بین‌المللی، سهم بالقوه‌ای در سیاست خارجی کشورها پیدا کرده است. در عصر حاضر تغییر جهت قدرت از بُعد سخت‌افزارانه به بُعد نرم‌افزارانه، ایجاب می‌نماید تا جمهوری اسلامی ایران از پیشرفت‌های چشمگیر علمی و فن آوری خود در سال‌های اخیر، برای تعقیب منافع ملی در فراسوی مرزهای بین‌المللی بیش از پیش استفاده نماید. از آنجا که تعاملات دوجانبه با همسایگان جزو اولویت‌های سیاست خارجی ایران می‌باشد و با عنایت به مشترکات تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی فراوان ایران و افغانستان، به کارگیری این شکل از دیپلماسی در مناسبات فی‌مابین دو کشور از اهمیت زیادی برخوردار است. این مقاله به عمده‌ترین فرصت‌ها و چالش‌های موجود در مسیر پیشبرد دیپلماسی علمی و فن آوری ایران در کشور افغانستان می‌پردازد. بی‌شک، رفع موانع در این مسیر، راه را برای بهبود مناسبات در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی فراهم خواهد کرد.

واژگان کلیدی: دیپلماسی علمی و فن آوری، سیاست خارجی، افغانستان، آموزش فرامرزی.

مقدمه

دیپلماسی به عنوان شیوه‌ای مسالمت‌آمیز، کم‌هزینه و در عین حال موثر، نقش مهمی در پیشبرد سیاست خارجی و تأمین منافع ملی کشورها دارد. همراه با دگرگونی‌های بین‌المللی و تحول در سیاست داخلی کشورها، دیپلماسی نیز در طول تاریخ دچار تحولات عمده‌ای شده و اشکال متنوعی به خود گرفته است. در عصر وابستگی‌های متقابل جهانی و تغییر جهت قدرت از «قدرت سخت‌افزارانه» به «قدرت نرم‌افزارانه» اشکال نوینی از دیپلماسی پدید آمده است که به جای اتکاء به ابزارهای قدرت سخت، از ابزارهای قدرت نرم استفاده می‌نماید. دستاوردهای علمی و فن‌آوری از جمله چنین ابزارهایی است که جدیداً مورد توجه سیاستمداران کشورهای مختلف قرار گرفته است. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر به پیشرفت‌های چشمگیری علمی و فن‌آوری دست یافته است، این امکان فراهم گردیده تا با توسل به این پیشرفت‌ها به تعقیب منافع ملی خود در فراسوی مرزهای بین‌المللی پردازد، چیزی که امروزه «دیپلماسی علم و فن‌آوری» نامیده می‌شود. با توجه به این که همواره تعاملات دوجانبه با همسایگان از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی ایران بوده است و در بین همسایگان، افغانستان بیشترین مشترکات تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را با ایران دارد، به کارگیری این شکل از دیپلماسی در مناسبات فی‌مابین دو کشور از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. در این مقاله ما به بررسی این پرسش می‌پردازیم که در مسیر پیشبرد دیپلماسی علم و فن‌آوری ایران در فراسوی مرزهای شرقی خود (کشور افغانستان) چه فرصت‌ها و چالش‌هایی وجود دارد؟ سعی داریم با استفاده از منابع موجود، تجارب شخصی و نیز مصاحبه با صاحب‌نظران، داده‌های لازم را برای یافتن پاسخی مناسب به پرسش فوق پیدا کنیم. اهمیت پرداختن به این موضوع بدان جهت است که اولاً ادبیات نظری در باب دیپلماسی علم و فن‌آوری ضعیف است و پژوهش‌هایی از این دست می‌تواند باعث غنا بخشیدن به آن شود؛ ثانیاً به گمان ما به کارگیری این شکل از دیپلماسی می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات ما در افغانستان باشد؛ ثالثاً مطالعه و بررسی عالمانه فرصت‌ها و چالش‌های موجود، در به کارگیری این شکل از دیپلماسی در افغانستان، می‌تواند راه را برای استفاده از آن در موارد مشابه و در ارتباط با دیگر بازیگران بین‌المللی هموار سازد. به گمان ما اشتراکات زبانی، فرهنگی و مذهبی دو کشور و نیز تحولات یک دهه اخیر کشور افغانستان که راه را برای حرکت این کشور در مسیر توسعه و فائق آمدن بر مشکلات سه دهه جنگ و خشونت فراهم نموده، در کنار شوق فراوان جمعیت جوان افغان

برای فراگیری علوم، فرصت‌های بی‌بدیلی در اختیار جمهوری اسلامی ایران برای پیشبرد اهداف علمی و آموزشی خود در افغانستان قرار داده است. البته ضعف زیرساخت‌های علمی، وجود رقبای سرسخت و مخالفت‌های برخی گروه‌های مخالف نفوذ فرهنگی ایران که در مصادر امور علمی و فرهنگی افغانستان قرار داشته و به نوعی با رقبای بین‌المللی ایران مرتبط و همسو هستند، در کنار ناامنی و تخاصمات درون قومی این کشور و بعضاً بی‌تدبیری و کج سلیقه‌ی برخی دیپلمات‌ها و سیاست‌گزاران خارجی ایران، چالش‌هایی فرا روی دیپلماسی علمی ایران در افغانستان پدید آورده است. بی‌شک، رفع موانع در مسیر پیشبرد این نوع از دیپلماسی، راه را برای بهبود مناسبات در حوزه‌های دیگر از جمله حوزه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی فراهم خواهد کرد.

سیر تطور دیپلماسی

دیپلماسی در ادبیات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به "فن پیشبرد و اجرای سیاست خارجی یک کشور به شیوه مسالمت‌آمیز و از طریق نمایندگان رسمی" (See: Barston, 1988) اطلاق می‌شود. در این معنا، دیپلماسی در مقابل «جنگ» و «توسل به زور» قرار می‌گیرد. معمولاً دیپلماسی در کنار تبلیغات، جنگ و... ابزاری است برای اجرای سیاست خارجی کشورها. از آنجا که توسل به زور در سیاست خارجی کشورها مستلزم صرف هزینه‌های هنگفتی است و این امر تبعات منفی عدیده‌ای همچون کاهش حیثیت و وجهه بین‌المللی کشور جنگ‌افروز را به دنبال دارد، توسل به دیپلماسی برای کشورها مقبول‌تر و در بسیاری جهات منطقی‌تر به نظر می‌رسد؛ بخصوص برای کشورهای جهان سوم که از منابع مالی و اقتصادی غنی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود برخوردار نیستند.

از ابتدای پیدایش تاکنون، دیپلماسی دگرگونی‌های بسیاری به خود دیده و به شاخه‌های مختلفی تقسیم شده است. از دوره یونان باستان تا کنگره و استقلالیا در ۱۶۴۸ میلادی، دیپلماسی شکل دوجانبه (Bilateral Diplomacy) داشت. از آن به بعد شکل چندجانبه‌ای (Multilateral Diplomacy)، کنفرانسی و کنگره‌ای پیدا کرد و در قرن بیستم با پیدایش سازمان‌های بین‌المللی مانند «جامعه ملل» و «سازمان ملل متحد»، شکل پارلمانی (Parliamentary Diplomacy) به خود گرفت. تا قبل از جنگ جهانی اول دیپلماسی از ماهیتی مخفیانه و پنهان (Secret Diplomacy) برخوردار بود، اما پس از انتشار طرح ۱۴ ماده‌ای ویلسون رئیس‌جمهور وقت آمریکا و نیز

پیدایش و رشد «افکار عمومی» (Public Opinion)، دیپلماسی آشکار (Open Diplomacy) جایگزین دیپلماسی پنهان شد، گرچه نوع قبلی آن به کلی از میان نرفت. در دوران پس از جنگ جهانی دوم با کم‌رنگ شدن وجه نظامی‌گری در نظام بین‌الملل و برجسته شدن وجوه اقتصادی و فن‌آوری آن و نیز پیچیده‌تر شدن و افزوده شدن ابعاد جدیدی بر مناسبات بین‌المللی، جایگاه دیپلماسی بیش از پیش ارتقا یافت و با تطورات و تحولات ایجاد شده پیرامونی، اشکال نوینی به خود گرفت.

در عرصه سیاست خارجی و روابط دیپلماتیک، میزان توفیق و اثرگذاری یک بازیگر بر دیگر بازیگران به اهرم‌هایی که مورد استفاده قرار می‌گیرد بستگی دارد و همین اهرم‌ها هستند که تضمین‌کننده روابط بازیگران با یکدیگر می‌باشد. نوع اهرم‌هایی که کشورها به کار می‌برند متفاوت است و از یک زمان و مکان به زمان و مکان دیگر فرق می‌کند. تا قبل از جنگ جهانی دوم نظامی‌گری حرف اول را در روابط بین‌الملل می‌زد؛ پس از شکل‌گیری «جنگ سرد»، تبلیغات نقش برجسته‌تری پیدا کرد؛ پس از آن اقتصاد به وجه غالب تبدیل شد، ولی امروزه علم و فن‌آوری از اهمیت ویژه‌ای در عرصه بین‌المللی برخوردار شده است. با گذر از دهه ۱۹۷۰ و با توجه به تحولاتی که در فن‌آوری ارتباطات پدیدار شد، روند جدیدی به نام «جهانی‌شدن» (Globalization) آغاز گردید که از ویژگی‌های آن، افزایش ارتباطات میان‌مردمی و کم‌رنگ شدن مرزهای سیاسی و افول حاکمیت‌های ملی است (داودی، ۱۳۸۱، ۲۱۴). در این دوره مفاهیمی مانند «دیپلماسی عمومی» (Public Diplomacy)، «قدرت نرم» (Soft Power)، «دیپلماسی رسانه‌ای» (Media Diplomacy)، «دیپلماسی اقتصادی» (Economic Diplomacy) و «دیپلماسی علم و فن‌آوری» (Science & Technology Diplomacy) رواج یافت. بنابراین، با توجه به تحولات هر دوره و اینکه کدام یک از ابزارهای قدرت اثرگذاری بیشتری در روابط میان کشورها داشته، دیپلماسی آن ابزار را به خدمت گرفته و شکل جدیدی از خود نمایان ساخته که در عین حال بیان‌کننده روش جدیدی در پیگیری سیاست خارجی نیز بوده است.

بدون شک، پارادایم نظام بین‌الملل طی یک دهه اخیر به طرز چشمگیری تحول یافته است. روند «جهانی‌شدن» و همچنین شکل‌گیری تدریجی «نظام چندقطبی» قدرت در عرصه سیاست بین‌الملل، سبب شده که ساختار قدرت، شکل نوینی به خود بگیرد و مؤلفه‌های جدیدی به عنوان ابزارهای اقتدار به صحنه بیاید. امروزه دیگر ذخایر معدنی به عنوان مؤلفه ثروت و کثرت سربازان به عنوان مؤلفه قدرت به حساب نمی‌آیند. انقلاب فن‌آوری باعث شده است که

نوآوری، خلاقیت، علم و فعالیت‌های مغز افزاری به عنوان بزرگ‌ترین و پر قدرت‌ترین سلاح، مدنظر سیاستمداران دنیا قرار گیرد؛ قدرتی که ارتباطات میان گروه‌های اجتماعی در یک کشور با دیگر کشورها را افزایش داده و سطح ارتباطات را به روابط رسمی دولت‌ها محدود نمی‌کند. از این رو، می‌توان مدعی شد که امروزه بنیان‌های قوی برای حرکت به سوی همکاری‌های علمی در عرصه بین‌الملل به وجود آمده است. پیشرفت علمی به‌طور فزاینده‌ای به جاری شدن اندیشه و نوآوری در سطح فراملی و میان کشورها مبتنی است. علم و فن آوری می‌توانند ابزارهای جایگزین مطلوبی برای تعامل و ایجاد ارتباطات بین‌المللی محسوب گردند. از این رو، نوآوری، علم و دستاوردهای فن آورانه می‌توانند سهم بالقوه‌ای در سیاست خارجی کشورهای مختلف برای حضور در عرصه‌های فراملی داشته باشند.

اهمیت و اهداف دیپلماسی علم و فن آوری

به‌طور کلی علم و فن آوری و به‌طور خاص «دیپلماسی علم و فن آوری»، یکی از مؤلفه‌هایی محسوب می‌شود که توانایی و قابلیت تأمین منافع ملی در هر شرایطی را داراست و به عنوان یک مؤلفه مهم قدرت نرم کشورها، با ماهیت اقتدار آفرین خود از تأثیرات متقابل با حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی کشورها برخوردار است. از این رو، علم و فن آوری به عنوان حوزه نوینی که قابلیت تأمین منافع ملی کشورها در عرصه بین‌المللی را دارد، مطرح می‌باشد. هنگامی که بحث از «دیپلماسی علم و فن آوری» به میان می‌آید، بدان معناست که می‌توان از علم و فن آوری به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف و منافع ملی استفاده نمود. بعد از وقایع جنگ جهانی دوم، همکاری‌های علمی و فن آوری میان آمریکا و ژاپن در دهه ۱۹۶۰ سردی روابط سیاسی دو کشور را بعد از دو دهه ترمیم کرد (بنگرید به: متقی، ۱۳۷۸). در دهه ۱۹۷۰، با سفر تاریخی نیکسون رئیس‌جمهور وقت آمریکا به چین و در پی آن انعقاد قراردادهای همکاری علمی میان آن دو کشور، همگان به ظرفیت‌های فراوان علم و فن آوری در پیشبرد سیاست خارجی واقف شدند. اهمیت این مؤلفه در سیاست خارجی را می‌توان در سخن هنری کیسینجر مشاور امنیت ملی نیکسون در آن زمان مشاهده کرد که گفت: "هیچ چیزی بین‌المللی تر از علم وجود ندارد." (به نقل از: هادیان، ۱۳۹۲) این عبارت، نشان از درک اهمیت پتانسیل همکاری‌های علمی و فن آوری در عرصه بین‌الملل برای تأمین منافع ملی دارد.

امروزه بسیاری از کشورها به این درک رسیده‌اند که علم و فن آوری و همکاری‌ها در این حوزه می‌تواند به عنوان مظلوفی با قابلیت‌های فراوان برای تأمین منافع ملی کشورها در ظرف دیپلماسی بگنجد. دیپلماسی علم و فن آوری به معنای استفاده از علم و فن آوری و ظرفیت‌ها و دستاوردهای آن در عرصه روابط با دیگر کشورها و ملت‌ها به عنوان راه و روشی برای برقراری ارتباطات جدید، تقویت روابط میان دولت‌ها، به وجود آوردن قدرت نرم برای کشورها و تأمین منافع ملی آنهاست. علم نیز به وجودآورنده نوعی از دیپلماسی است که نیازمند همکاری‌های نزدیکی میان ملت‌ها، نخبگان، بخش‌ها و سازمان‌های غیردولتی در کشورهای مختلف است. از طریق تبادلات علمی می‌توان به ایجاد و شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در نتیجه ایجاد منافع مشترک، خوش‌بین بود و همچنین از آن در حل تعارضات میان کشورها و ملت‌ها استفاده کرد. همکاری‌های علمی و فن آوری در مسائل حساسی چون سوخت‌های هسته‌ای و فسیلی و تحقیقات فضایی و...، گاهی می‌تواند به ارائه یک مسیر مؤثر برای ایجاد و برقراری گفت‌وگوهای سیاسی میان کشورهای دارای اختلافات، منجر شود. در یک نگاه کلی می‌توان اهداف دیپلماسی علمی و فن آوری را به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

- بسترسازی محیط مناسب برای ایفای نقش مؤثرتر وزارت امور خارجه در توسعه علم و فن آوری در نظام ملی نوآوری،
 - استفاده از دستاوردهای علم و فن آوری به خصوص دانش فنی و محصولات دانش‌بنیان به عنوان یک ابزار برای توسعه حوزه دیپلماسی کشور،
 - ارائه تصویری مطلوب از توانمندی‌ها و اقتدار ملی و کسب وجهه و حیثیت بین‌المللی به عنوان کشوری توسعه‌یافته در جهت پیشبرد اهداف دیپلماسی کشور،
 - قرار گرفتن در مسیر تحولات فن آوری دنیا و بسترسازی برای انتقال فن آوری با کمک دستگاه دیپلماسی رسمی،
 - ایجاد و بهبود روابط با کشورهای گوناگون به دلیل حساسیت اندک مقوله علم و فن آوری در عرصه بین‌الملل و اثرگذار بودن آن در تمامی کشورها،
 - ایجاد ارزش افزوده و کسب سود از طریق توسعه فعالیت‌های علمی و فن آوری در اثر تعاملات علمی و فن آوری با کشورهای مختلف (بنگرید به: هادیان، ۱۳۹۲).
- با توجه به مطالب فوق، مقصود ما از «دیپلماسی علم و فن آوری» ناظر به دو موضوع است: یکی تعاملات علمی و فن آوری میان یک کشور با دیگر بازیگران بین‌المللی که در خدمت

پیشبرد سیاست خارجی آن کشور قرار گیرد، و دیگری روابط سیاسی میان یک کشور و دیگر بازیگران بین‌المللی که زمینه‌ساز تعاملات علمی و فن آوری گردد. برای وجه نخست، می‌توان به همکاری کشور روسیه با جمهوری اسلامی ایران در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای اشاره کرد که به طور آشکار در خدمت پیشبرد سیاست خارجی روسیه، چه در تعامل با ایران و چه در تعامل با غرب قرار گرفته است. برای وجه دوم می‌توان به روابط ایران و برزیل اشاره کرد که مناسبات سیاسی زمینه همکاری‌های میان دو کشور در حوزه فن آوری نانو و بیو را فراهم نموده است (بنگرید به: پورتال شورای عالی انقلاب فرهنگی). هر چند که تمام تعاملات علمی و فن آوری به طور بالقوه می‌تواند در راستای دیپلماسی علم و فن آوری مورد استفاده قرار گیرد و نباید آنها را نادیده گرفت، اما هرگونه تجارت فن آوری را نمی‌توان «دیپلماسی علم و فن آوری» دانست. تنها آن قسم از مبادلات علمی و فن آوری اهمیت دارد که دارای وزن تأثیرگذاری بر روابط سیاسی میان کشورها باشد. حوزه‌هایی از علم و فن آوری همچون فن آوری‌های هسته‌ای، هوا - فضا و نظامی، به طور سنتی در خدمت دیپلماسی قرار داشته‌اند. اما با توسعه کاربرد علم و فن آوری در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی و اخیراً برجسته شدن اقتصاد برای کشورهای مختلف به خصوص کشورهای در حال توسعه، حوزه‌های دیگری از علم و فن آوری نیز که می‌تواند در پیشبرد سیاست خارجی یک کشور مؤثر واقع شود، مورد توجه سیاست‌گذاران و دیپلمات‌ها قرار گرفته است. بسته به نیاز کشور مقصد، می‌توان از این قابلیت‌ها به شکل بهینه استفاده کرد.

جایگاه ایران به لحاظ علم و فن آوری

جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های اخیر پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه علم و فن آوری داشته است. از آنجا که بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران باید از نظر علم و فن آوری به مقام نخست در منطقه تبدیل شود، توجه به بعد نرم قدرت و تأثیر دیپلماسی علم و فن آوری از اهمیت زیادی برخوردار است. به برکت سیاستگذاری‌های مناسب و همت پژوهشگران ایرانی در دو دهه اخیر، جمهوری اسلامی ایران به دستاوردها و جایگاه قابل توجهی در حوزه علم و فن آوری جهانی دست یافته است. از جمله دستاوردهایی که توانسته بازتاب بین‌المللی در سطح جهانی داشته باشد و برای ایران کسب وجه و شأن نماید، می‌توان به حضور پررنگ ایران در المپیادهای جهانی، دستیابی ایران به توان پرتاب موشک به فضا، پیشرفت در زمینه فن آوری

نانو، صعود در زمینه استفاده از فن آوری سلول‌های بنیادی و سرانجام دستیابی به فن آوری انرژی هسته‌ای در جهت استفاده صلح آمیز اشاره کرد.

با وجود قدمت ۵۰ ساله المپیادهای علمی، از حدود ۲۴ سال پیش دانش آموزان ایرانی در این المپیادها حضور یافتند. گرچه آنها با وقفه‌ای نسبتاً طولانی پا به این رقابت‌ها گذاشتند، ولی توانستند در طی این مدت جمعاً ۴۹۱ مدال کسب نمایند که از این میان ۱۱۴ مدال طلا، ۲۴۰ مدال نقره و ۱۳۷ مدال برنز بوده است. (به نقل از: سایت آموزش و پرورش) جدول زیر تعداد مدال‌های دانش آموزان ایرانی را طی سه سال اخیر نشان می‌دهد.

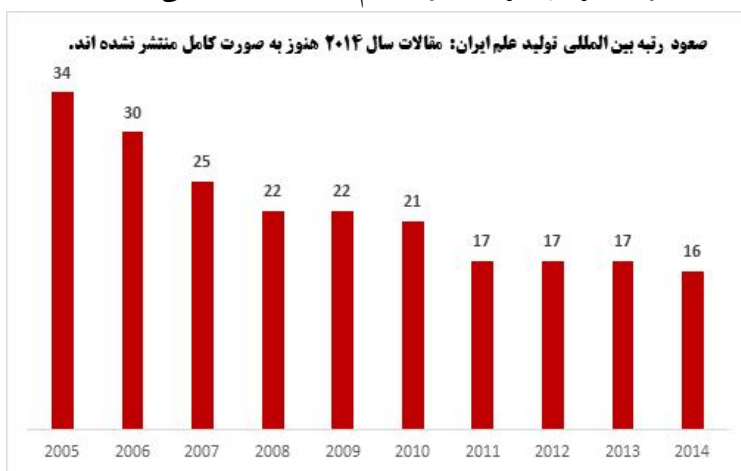
جدول (۱): تعداد مدال‌های دانش‌آموزان ایرانی در المپیادهای مختلف در سه سال اخیر

رشته مربوطه	سال ۲۰۱۲	سال ۲۰۱۳	سال ۲۰۱۴
ریاضی	۶	۶	۶
زیست‌شناسی	۴	۴	۳
شیمی	۴	۴	۴
فیزیک	۵	۵	۵
کامپیوتر	۴	۴	۴
نجوم	۱۰	۸	۱۰
جمع کل	۳۳	۳۱	۳۲

منبع: سایت تابناک

ایران در فوریه سال ۲۰۰۷ طی یک آزمایش موفقیت‌آمیز موشکی، وارد عرصه فن آوری فضایی شد و به جرگه کشورهای دارای فن آوری فضایی پیوست. این واقعه بازتاب گسترده‌ای در میان کشورهای منطقه و کشورهای صاحب این فن آوری داشت. جدای از اینکه پرتاب موشک به فضا نشان‌دهنده توان موشکی ایران است، دستیابی به این فن آوری توانسته ایران را در بین معدود کشورهای دارنده این فن آوری قرار دهد. در زمینه تولید مقالات علمی، دانشمندان ایرانی تا دی‌ماه سال ۱۳۹۳ با انتشار ۱۷۲۴۵ سند علمی (معادل ۱/۶ درصد تولید علم جهان) در پایگاه اسکوپوس (Scopus) رتبه پانزدهم جهان را از آن خود نمودند. در عین حال تا اول دی‌ماه ۱۳۹۳ ایرانیان با ثبت ۲۷۳۸۸ مقاله ISI به رتبه بیستم جهان و رتبه اول جهان اسلام

و منطقه خاورمیانه رسیدند (بنگرید به: مرکز منطقه‌ای اطلاع رسانی علم و فن آوری، ۱۳۹۳/۱۰/۱۸). نمودار زیر رتبه ایران در تولید علم در جهان را نشان می‌دهد.



منبع: مرکز منطقه‌ای اطلاع رسانی علوم و فناوری

به رغم تحریم‌های مختلف و عدم دسترسی به منابع و تکنولوژی‌های نو، در زمینه ثبت اختراع نیز ایران در سال ۱۳۹۱ توانست رتبه ۲۹ دنیا را کسب نماید (به نقل از: سایت خبری آنلاین، ۱۳۹۳/۱۰/۱۶). در زمینه تولید محصولات نانو نیز کارهای خطیری صورت گرفته است و طبق آخرین آمارها، ایران به مقام هفتم دنیا و مقام دوم در خاورمیانه صعود کرده است (به نقل از: سایت واحد مرکزی خبر، ۱۳۹۳/۱۰/۱۸). در حال حاضر تحقیقات گسترده‌ای در زمینه تولید و کاربرد سلول‌های بنیادین در درمان بیماری‌های گوناگون قلب و عروق، ضایعات نخاعی، دیابت، بیماری‌های اعصاب، بیماری‌های ارتوپدی، جراحات تاندون‌ها و... در ایران انجام می‌شود (بنگرید به: سایت موسسه پژوهشی رویان). دانش هسته‌ای ایران، یک دانش بومی شده و به تدریج طی دو دهه گذشته این دانش در ایران تبدیل به فن آوری تحقیقاتی شده است. این فن آوری شامل کلیه بخش‌هایی است که دسترسی ایران را به انرژی هسته‌ای فراهم می‌نمایند. ساخت ساتتریفیوژ از جمله تلاش‌های متخصصان ایرانی در این زمینه است (بنگرید به: سایت سازمان انرژی هسته‌ای ایران). دستاوردهای فوق می‌تواند به عنوان ابزاری در خدمت دیپلماسی و در جهت گسترش نفوذ ایران در دیگر کشورها قرار گیرد. علاوه بر به تصویر کشیدن یک الگوی موفق، انتقال تجربه‌ها و گسترش همکاری در زمینه ساخت پروژه‌های علمی یاد شده باعث نفوذ قدرت ایران در منطقه و فراتر از آن در سطح بین‌المللی می‌شود. این

مسأله می‌تواند به تدریج باعث ایجاد فضایی برای تبلیغ و نشر ایده‌های جمهوری اسلامی در زمینه‌های سیاسی، مذهبی و... گردد و بسترهای صدور آرمان‌های ملی و انقلابی را فراهم آورد. در بعد آموزش عالی نیز طی سال‌های اخیر پیشرفت‌های خوبی داشته‌ایم. آمارها حکایت از رشد قابل توجهی دارد. جدول شماره (۲) آمار مربوط به دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی را تا تابستان ۱۳۹۳ نشان می‌دهد که از آن پس نیز بر تعداد آنها افزوده شده است.

جدول (۲): تعداد دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی دایر

دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی وابسته به وزارت علوم	مراکز آموزش عالی وابسته به وزارت آموزش و پرورش	موسسات آموزش عالی وابسته به سایر دستگاه‌های اجرایی	واحدهای دانشگاه پیام نور	واحدهای دانشگاه جامع علمی کاربردی	موسسات آموزش عالی غیر دولتی غیر انتفاعی	واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی	دانشگاه‌ها و دانشکده‌های مستقل علوم پزشکی وابسته به وزارت بهداشت	جمع
۱۱۹	۲۷۴	۲۸	۵۵۰	۵۸۱	۲۹۵	۳۸۵	۴۴	۲۲۷۶

منبع: سایت پرتال دانشگاهی

هم اکنون ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار دانشجو در ۲ هزار و ۲۷۴ موسسه آموزش عالی کشور مشغول به تحصیل هستند. در حالی که در سال ۱۳۶۰ تعداد دانشجویان ۱۶۰ هزار نفر و تعداد دانشگاه‌های کشور تنها ۱۰ واحد بود. میانگین دانشجویان کشور نیز ۴ هزار و ۹۵۰ نفر به ازای هر صد هزار نفر است. تعداد اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کشور تا مهرماه ۱۳۹۳ بالغ بر ۶۶۳۱۴ نفر بوده است. هرم هیئت علمی دانشگاه‌های ایران در سال ۱۳۹۳ در جدول شماره (۳) آمده است.

جدول (۳): هرم هیأت علمی کشور بدون احتساب دستگاه‌های اجرایی

دستگاه مربوطه	استاد	دانشیار	استادیار	مربی	مربی آموزشیار	جمع
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۴۸۲	۳۱۸۷	۱۰۱۸۴	۳۳۶۴	۶۲	۱۸۲۸۲
دانشگاه پیام نور	۶	۴۷	۵۶۰	۳۴۹	۱۸۶۷	۲۸۲۹
دانشگاه فنی و حرفه‌ای	-	۱	۱۳	۶۶	-	۸۰
وزارت آموزش و پرورش	-	-	۱۰۶	۲۸	-	۱۳۴
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	۷۲۱	۲۱۵۴	۶۷۸۶	۳۰۰۵	۱۵	۱۲۶۷۲
دانشگاه آزاد اسلامی	۵۷۶	۸۸۳	۸۱۵۰	۱۹۹۷۱	۵۰۲	۳۰۰۸۳
موسسات آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی	۸۲	۷۱	۴۶۲	۱۶۳۱	۱۸	۲۲۳۴
جمع کل	۲۸۶۷	۶۳۴۳	۲۶۲۶۱	۲۸۴۱۴	۲۴۶۴	۶۶۳۱۴

منبع: سایت وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری

با توجه به قابلیت‌های فوق، جمهوری اسلامی ایران پتانسیل‌های خوبی برای استفاده از علم و فن آوری به عنوان منبع قدرت نرم در عرصه دیپلماسی دارد. همانطور که جوزف نای (Joseph Nay) از نظریه پردازان روابط بین الملل در تعریف قدرت نرم بیان می‌کند، "قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب «مطلوب» از طریق جاذبه، نه از طریق اجبار یا تطمیع." او همچنین بیان می‌کند که: "وقتی بتوانی دیگران را وادار کنی ایدئال‌هایت را بپذیرند و آنچه را بخواهند که تو بخواهی، در این صورت مجبور نخواهی بود برای هم جهت کردن آنها با خود پول زیادی صرف اجرای سیاست هویج و چماق کنید" (به نقل از: مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۶۵). ایران می‌تواند همانند بسیاری از کشورهای دیگر، دو رویکرد به مسأله کاربرد علم و فن آوری داشته باشد: یکی استفاده از تعاملات علمی و فن آوری با دیگر بازیگران بین‌المللی در خدمت پیشبرد سیاست خارجی خود و دیگری استفاده از روابط سیاسی با دیگر کشورها برای زمینه‌سازی تعاملات علمی و فن آوری با آنها. به عنوان مثال در زمینه نخست می‌توان به ژاپن اشاره کرد که به دلیل دستاوردهای علمی و فن آوری توانست به ارتقا چهره خود در عرصه بین‌المللی پس از جنگ دو جهانی بپردازد و یا کشورهای غربی که از حربه تحریم‌های علمی و فن آوری در جهت اعمال فشار بر ایران جهت خاتمه دادن به فعالیت‌های هسته‌ای این کشور استفاده نموده‌اند. برای وجه دوم می‌توان به روابط کشور هند و چین با کشورهای پیشرفته غربی اشاره

کرد که در نهایت به ارتقای ظرفیت‌های علمی و فن‌آوری این دو کشور منجر شده است. ما نیز بسته به نیازهای خود و نیز وضعیت و نیاز کشور مقابل، می‌توانیم از قابلیت‌های علمی و فن‌آورانه خود به شکل بهینه استفاده کنیم. ذکر این نکته خالی از فایده نیست که نباید در «دیپلماسی علم و فن‌آوری» صرفاً به منافع اقتصادی اندیشید، بلکه باید ملاحظات سیاسی، استراتژیک و ایدئولوژیک را نیز مد نظر قرار داد.

از آنجا که هنوز به رغم پیشرفت‌های صورت گرفته تا رسیدن به سطح کشورهای تراز اول جهان به لحاظ علم و فن‌آوری فاصله زیادی داریم و از سوی دیگر، اولویت نخست سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همسایگانش می‌باشد و اغلب این کشورها در شرایطی هستند که نیازمند همکاری‌های علمی و فن‌آوری با ایران می‌باشند، بنابراین، بهتر است در بکارگیری دیپلماسی علم و فن‌آوری از کشورهای منطقه و بخصوص همسایگانمان شروع کنیم. ایران به لحاظ ژئوپلیتیکی در یکی از حساس‌ترین نقاط جهان قرار گرفته است. موقعیت خاص جغرافیایی ایران به گونه‌ای است که با هفت کشور بیش از ۵۷۷۳ کیلومتر مرز زمینی و با هشت کشور دیگر در شمال و جنوب حدود ۲۷۱۰ کیلومتر مرز دریایی دارد (به نقل از: سایت سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح). از مجموع همسایگان ایران، تنها روسیه جزء کشورهای پیشرفته محسوب می‌شود و برخی مانند ترکیه و پاکستان تا حدودی به لحاظ علمی و فن‌آوری در سطح ایران و الباقی پایین‌تر از ایران می‌باشند. ایران با تمامی این کشورها می‌تواند مراودات و همکاری‌های علمی و فن‌آوری داشته باشد. چنین همکاری‌هایی با کشورهایی مانند روسیه، ترکیه و پاکستان، می‌تواند برای ایران به جهت آورده علمی و تبادلات فن‌آوری فرصت بسیار مغتنمی تلقی شود و با دیگر همسایگان، به جهت پیشبرد اهداف سیاست خارجی، از اهمیت فراوانی برخوردار باشد. در بین دسته دوم از کشورهای همسایه، افغانستان بنا به دلایلی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند یکی از آماج مهم دیپلماسی علم و فن‌آوری ایران قرار گیرد.

اهمیت افغانستان در روابط خارجی ایران

کشور افغانستان با حدود ۶۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و تقریباً ۲۸ میلیون نفر جمعیت و بیش از ۹۳۰ کیلومتر مرز مشترک، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای به لحاظ ژئواکونومی (Geoconomy)، ژئوپلیتیکی (Geopolitics)، ژئوکالچر (Geoculture) و ژئواستراتژیکی (Geostrategic) در بین همسایگان ایران دارد.

اهمیت اقتصادی

هر چند افغانستان به لحاظ اقتصادی جزو کشورهای توسعه‌نیافته محسوب می‌گردد، اما با نگاهی دقیق به منابع و ذخایر زیرزمینی آن به نظر می‌رسد که جزو کشورهای ثروتمند جهان باشد و صرفاً به دلیل نبود امنیت و توان مدیریتی و عدم دسترسی به فن آوری لازم، نتوانسته از این ذخایر به خوبی بهره‌برداری نماید. وجود منابع آبی فراوان و نیز انواع سنگ‌های قیمتی و کانی، پتانسیل‌های اقتصادی بالقوه‌ای به این کشور بخشیده است. افغانستان کشوری است که تقریباً یک سوم خاک آن را کوهستان تشکیل می‌دهد. طبق برآوردها سالانه ۷۵ میلیارد متر مکعب آب در افغانستان تولید می‌شود که از این مقدار، ۵۷ میلیارد آب‌های سطحی و ۱۸ میلیارد منابع آبی زیرزمینی است. از کل ۵۷ میلیارد متر مکعب آب‌های سطحی، تنها ۲۰ درصد آن بهره‌برداری و ۷۰ درصد آن به دلیل فقدان تاسیسات مهار آب، به کشورهای همسایه سرازیر می‌شود (به نقل از: سایت وزارت زراعت و انکشاف دهات افغانستان، ۹۳/۵/۲۰).

با توجه به طبیعت و ساختمان زمین‌شناسی، افغانستان سرشار از منابع طبیعی و معدنی است. عمده‌ترین معادن افغانستان عبارتند از: معادن مس، آهن، سرب، گچ، طلا، آلومینیم، کروم، قلع، تنگستن، کبالت، لیتیوم و میزان قابل توجهی ذغال سنگ، بیرایت، سیلیسیوم، سولفور، تلک و مگنیزیت، نمک، سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی زمرد، کونیست، تورمالین، بریل، یاقوت، لاجورد و سنگ‌های تزئینی مانند انواع مرمرها، تراورتن و مواد خام سیمان (بنگرید به: سایت وزارت معادن افغانستان). حدود ۴۵۰۰ منبع معدنی در افغانستان وجود دارد که طبق برآوردهای کارشناسی، ارزش این منابع حدود ۵۰۰ تریلیون دلار ارزیابی شده که معادل ۶۰ برابر تولید ناخالص ملی سالانه آمریکا است (عظیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۶).

بررسی‌هایی که توسط کارشناسان آمریکائی در افغانستان انجام شده، نشان می‌دهد که منطقه کنواز در شرق افغانستان و هرات در غرب و هم‌چنین هلمند در جنوب دارای منابع غنی زیرزمینی نفت و گاز است. مسئولان وزارت معادن افغانستان و یک شرکت تحقیقاتی زمین‌شناسی آمریکایی اعلام کرده‌اند که مقدار این مواد به ۴۴۴ میلیارد متر مکعب گاز و بیش از ۱/۵ میلیارد بشکه نفت می‌رسد. ارزیابی‌های جدید نشان می‌دهد که حدود ۵۶۲ میلیون بشکه گاز مایع در حوزه‌های آمو و مرز میان افغانستان و تاجیکستان وجود دارد (بنگرید به: سایت وزارت معادن افغانستان، ۹۳/۵/۲۰). با فروپاشی شوروی حوزه مفهومی ژئوپلیتیک از رهیافت نظامی و ژئواستراتژیک به رویکردی ژئواکونومیک تغییر یافت و افغانستان نیز از این تغییر

رویکرد متأثر گردیده است. بدین جهت، امروزه موقعیت ژئواکونومی افغانستان نسبت به گذشته اهمیت بیشتری یافته است. به عبارتی دیگر، افغانستان مانند گذشته میان دو ابرقدرت واقع نیست، بلکه میان چهار منطقه مهم اقتصادی خاورمیانه، آسیای میانه، چین و شبه‌قاره هند قرار گرفته که پتانسیل ویژه‌ای بدان بخشیده است.

اهمیت سیاسی - امنیتی

سرزمین کوهستانی افغانستان همواره مأمّن خوبی برای گروه‌های تروریستی و باندهای تولید و قاچاق مواد مخدر بوده است. چندین شبکه به‌هم‌پیوسته خشونت، دامنه ناامنی‌های افغانستان را به دیگر کشورهای منطقه کشانیده که از مسکو تا دبی امتداد یافته است. شبکه‌های قاچاق مواد مخدر در تبابی با گروه‌های مسلح، کشتزارهای کوکنار افغانستان را با بازارهای جهانی از طریق پاکستان، ایران و آسیای میانه پیوند می‌دهند. شبکه‌های بازرگانی که در پی دستیابی به سود بیشترند، با زیر پا گذاشتن مقررات و گریز از عوارض گمرکی، زیر پوشش گروه‌های قبیله‌ای و مذهبی فعالیت می‌نمایند. در عین حال، این کشور در گره‌گاه ساختارهای ژئوپلیتیکی آسیایی در میان چین، آسیای میانه، قفقاز، ترکیه، شبه‌قاره هند، خلیج فارس و خاورمیانه واقع شده است (بنگرید به: سردار رحیمی، ۱۳۹۰). در واقع، افغانستان و ایران از دیدگاه ژئوپلیتیکی همانند پله‌های یک دروازه‌اند که به سوی آسیای میانه، قفقاز و شبه جزیره عربستان باز می‌شوند و همانند پلی میان شمال و جنوب آسیا عمل می‌کنند.

شرایط دشوار معیشتی در افغانستان، به مردم این کشور آموخته است که برای تداوم بقا، از خود مراقبت و حمایت کنند و در اغلب مناطق به خصوص نواحی روستایی، این حمایت تمام افراد هم‌نژاد و هم‌قبیله را در بر می‌گیرد. همین دشواری بقا، سبب بروز سوءظن، پیش‌داوری و حتی گاهی خصومت ممتد بین گروه‌های قومی و مذهبی مختلف شده که بر سر منابع موجود با هم به رقابت می‌پردازند. بی‌شک، مسایل سیاسی و ناامنی‌های افغانستان تأثیر مستقیم بر اوضاع همسایگان دارد، و کشورهایی چون ایران تا به حال از تأثیرات آن بی‌نصیب نبوده و در آینده نیز نخواهند بود. در واقع، امنیت در افغانستان باعث ایجاد امنیت در منطقه می‌شود و برعکس، بی‌ثباتی در این کشور زمینه بی‌ثباتی در منطقه را فراهم می‌کند. افغانستان در منطقه‌ای واقع شده است که از هر لحاظ وضعیت امنیتی آن دارای ابهام، پیچیدگی و سردرگمی است. افغانستان در میان سه سیستم امنیتی منطقه‌ای: خاورمیانه، شبه‌قاره هند (جنوب آسیا) و آسیای میانه، قرار گرفته است. علاوه بر عوامل فوق، حضور نیروهای خارجی معارض جمهوری اسلامی در

افغانستان پیامدهای سیاسی - امنیتی ناخوشایندی برای ما داشته است. بنابراین، افغانستان به لحاظ ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی تهدیدها و فرصت‌های زیادی برای ایران ایجاد می‌نماید (بنگرید به: داودی، ۱۳۹۱).

اهمیت فرهنگی

اهمیت ژئوکالچر افغانستان برای ایران به دلیل وجود پیوندهای کهن تاریخی و فرهنگی، زیاد است؛ تا جایی که بسیاری از صاحب‌نظران از این کشور به «حیات خلوت فرهنگی ایران» یاد کرده‌اند. اشتراکات زبانی، فرهنگی و تاریخی چنان سرنوشت دو کشور را در هم تنیده که هیچ کس نمی‌تواند جای خالی ایران را به لحاظ فرهنگی در این کشور پر نماید و ایران به بازیگری بی‌بدیل در عرصه فرهنگ افغانستان تبدیل شده است. بخش عمده کتاب‌های درسی افغانستان به زبان فارسی است. بسیاری از منابع علمی مورد استفاده دانشجویان افغان در ایران چاپ می‌شود. رغبتی عجیب در بین دانشجویان افغان برای حضور در موسسات آموزش عالی و دانشگاه‌های ایرانی وجود دارد. گرایش خانواده‌های افغان به استفاده از محصولات رادیویی و تلویزیونی ایرانی به رغم ظهور ده‌ها شبکه رادیویی و تلویزیونی رنگارنگ که عمدتاً فیلم‌های غربی یا هندی را پخش می‌نمایند و... همگی نشان از اهمیت حوزه فرهنگ در مناسبات دو کشور دارد. مشاهدات نگارنده به عنوان کسی که نزدیک به چهار سال در دانشگاه‌های افغانستان تدریس نموده است حاکی از شور و شغف دانشجویان افغان نسبت به مطالعه آثار علمی و فرهنگی اندیشمندان ایرانی می‌باشد. متأسفانه به رغم این میل وافر، کم‌کاری‌ها و کمبودهای فراوانی در حوزه فعالیت علمی و آموزشی ما در افغانستان مشاهده می‌شود. اگر ما بخواهیم در افغانستان منافع امنیتی، سیاسی، اقتصادی و... خود را دنبال کنیم، حتماً باید بیشترین بها را به حوزه علم و فرهنگ بدهیم، چرا که مزیت نسبی ما برای حضور مؤثرتر در افغانستان نسبت به سایر رقبا اشتراکات فرهنگی ماست. در واقع، باید روابط سیاسی و اقتصادی را بر چارچوبه علم و فرهنگ بنا نمائیم (بنگرید به: داودی، ۱۳۹۱).

فرصت‌های موجود در افغانستان

شرایط خاص کنونی افغانستان فرصت‌های قابل توجهی را برای اعمال دیپلماسی علمی و فن آوری جمهوری اسلامی ایران در این کشور، فراهم می‌نماید. وضعیت به گونه‌ای است که

هر دو کشور می‌توانند از قبیل همکاری‌های علمی و فن‌آوری سود ببرند. از جمله مهمترین فرصت‌ها و مزیت‌هایی که در این زمینه وجود دارد می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف). افغانستان به مدت بیش از ۲۵ سال درگیر جنگ و خشونت بوده است. در طول این مدت بخش عمده تأسیسات زیر بنائی آن از بین رفته و شدیداً نیازمند بازسازی و نوسازی است. ایران می‌تواند با حضور در پروژه‌های بازسازی افغانستان از توان علمی و فن‌آوری و نیز تجارب گذشته خود بهره لازم را ببرد و در عین حال، کمک شایان توجهی به رفع مشکلات این کشور بنماید. در کنار صدور کالا، ایران می‌تواند خدمات فنی و مهندسی عدیده‌ای به افغان‌ها عرضه نماید و از این جهت توانمندی فنی خود را نیز ارتقاء بخشد.

ب). افغانستان جمعیتی جوان دارد. اصولاً تمام کشورها بعد از دوران طولانی جنگ به سمت سیاست‌های افزایش جمعیت سوق پیدا می‌کنند. لطمات انسانی فراوان افغانستان در دوران جنگ و جهاد سبب شده تا در طی یک دهه اخیر، این کشور سیاست انبساط جمعیت را در پیش گیرد. تفکرات سنتی حاکم بر جامعه افغانستان نیز این امر را تسریع کرده است. به همین جهت، بخش عمده جمعیت حدود ۲۸ میلیون نفری افغانستان را جوان‌ها تشکیل می‌دهد. نسل جوان پس از جنگ و جهاد افغانستان انگیزه و شور و شوق فراوانی به فراگیری علوم و فنون جدید از خود نشان داده است. متأسفانه فقدان سرمایه و امکانات علمی و آموزشی مانع از آن است که دولت افغانستان بتواند پاسخی درخور و شایسته به این شور و اشتیاق بدهد. بسیاری از جوان‌های افغان به‌ویژه زنان، هنوز فرصت باسواد شدن پیدا نکرده‌اند. ۷۲ درصد مردان و ۹۳ درصد زنان به مدرسه نرفته و آمار بی‌سوادی ۷۰ درصد است. از هر ۵ کودک دختر و هر ۳ کودک پسر که واجب‌التعلیم هستند، تنها یک نفر شانس رفتن به مدرسه را دارند (به نقل از: سایت وزارت معارف افغانستان، ۱۰/۱۰/۱۳۹۳). علاوه بر کمیّت نامطلوب، کیفیت آموزشی نیز در افغانستان بسیار پائین است. فقدان معلمین مجرب، نبود یک برنامه آموزشی جامع، کمبود امکانات آموزشی و... از جمله مشکلات موجود در این زمینه است.

در حوزه آموزش عالی وضعیت به مراتب بدتر است. در سال گذشته تعداد نهمصد هزار نفر متقاضی ورود به دانشگاه در افغانستان وجود داشت که از این تعداد سی هزار نفر در دانشگاه‌های دولتی و حدود چهار هزار نفر در دانشگاه‌های خصوصی جذب شده‌اند. یعنی کمتر از ۱۰ درصد متقاضیان کنکور شانس ورود به دانشگاه را داشته‌اند (به نقل از: سایت وزارت تحصیلات افغانستان). این درحالی است که تحصیلات تکمیلی فوق‌لیسانس به بالا تا سال ۱۳۹۰

در افغانستان وجود نداشت. برای اولین بار دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور ایران دوره کارشناسی ارشد را در شهر کابل در چندین رشته دایر نمودند. این امر دانشگاه‌های خصوصی و دولتی افغانستان را نیز ترغیب نمود تا به راه‌اندازی دوره‌های کارشناسی ارشد مبادرت نمایند، اما فقدان هیئت علمی مناسب و نبود تأسیسات آزمایشگاهی و کتابخانه و... مانع از آن بوده که افغان‌ها در این زمینه توفیقات چشمگیری داشته باشند. بیش از ۶۵ درصد اساتید دانشگاه‌های افغانستان تحصیلات در حد لیسانس دارند و ۳۰ درصد در حد فوق‌لیسانس و تنها کمتر از ۵ درصد آنها را دارندگان مدرک دکتری تشکیل می‌دهند. بخش عمده این اساتید مسن بوده و بسیاری از آنها بدون فراگیری مهارت‌های تدریس به صرف فراغت از تحصیل به کلاس درس می‌روند (مصاحبه نگارنده با رئیس موسسات خصوصی وزارت تحصیلات عالی افغانستان، مرداد ۱۳۹۳). این شرایط فرصت طلایی را در اختیار دانشگاه‌های ایران قرار می‌دهد تا در افغانستان، به‌ویژه در عرصه آموزش عالی تکمیلی، حضور مؤثری داشته باشند. تأسیس شعب دانشگاه‌های مختلف ایران در افغانستان و یا همکاری بین دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی دو کشور می‌تواند هم به لحاظ کمی و هم کیفی سطح آموزش عالی در افغانستان را به شکل چشم‌گیری ارتقا بخشد.

ج). اشتراکات فرهنگی، زبانی و دینی از جمله مزیت‌هایی است که حضور ایران در عرصه علم و فن آوری افغانستان را بی‌بدیل می‌سازد. اولاً، بخش عمده نیروی آموزشی در افغانستان دانش‌آموخته مدارس و دانشگاه‌های ایران هستند و به همین جهت با منابع درسی ایران بیشتر مأنوس و آشنا بوده و در روند تدریس خود از منابع فارسی و ایرانی استفاده می‌نمایند. ثانیاً، هرچند پشتون و فارسی دری جزء زبان‌های رسمی افغانستان است، اما زبان پشتون در محافل آکادمیک طرفدار چندانی ندارد. عمده پشتون زبان‌ها فارسی را می‌فهمند، اما بسیاری از فارسی زبان‌ها پشتون را نمی‌فهمند. زبان پشتون به لحاظ علمی چندان قوی نیست و منابع علمی به زبان پشتون بسیار اندک است، در مقابل غنای زبان فارسی و منابع عدیده علمی که به این زبان نوشته یا ترجمه شده است، فارسی را برای طالبان علم در افغانستان از جداییت فراوانی برخوردار کرده است. در حال حاضر بخش عمده منابع درسی در سطح دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی افغانستان به زبان فارسی و عمدتاً ایرانی است.

د). یکی از موانع عمده در راه بسط علم و فن آوری در جوامع جهان سوم، سنت‌ها و آداب و رسوم دست و پاگیر حاکم بر آنهاست. همواره نیروهای سنتی در این جوامع، با مظاهر مدرن

از جمله علم و فن آوری به عنوان ره‌آوردی غربی، به دیده طرد و انکار نگریسته و در برابر آن مقاومت نموده‌اند. چنین مقاومتی در جامعه شدیداً سنتی و مذهبی افغانستان کاملاً مشهود است. نوع برخورد گروه طالبان با مدارس و دانشگاه‌ها در دوره تصدی حکومت توسط ایشان، شاهدی بر این مدعاست. از آنجا که علم و فن آوری در ایران به عنوان یک کشور اسلامی تا حدودی بومی شده، مقاومت افغان‌ها در برابر ورود علم و فن آوری از ایران کمتر می‌باشد. تجربه تدریس نگارنده در افغانستان برای چندین ترم این مطلب را تأیید می‌نماید. بنابراین، اشتراک دینی، زبانی و فرهنگی شانس حضور مؤثرتر ایران را نسبت به دیگر رقبا، بویژه غربی‌ها فراهم‌تر کرده است.

ی). هم‌جواری و نزدیکی مسافت این امکان را فراهم می‌نماید تا حمل و نقل کالا، ادوات، نیروی انسانی و... بین ایران و افغانستان با سهولت بیشتری انجام شود. این مزیت سبب می‌شود تا دسترسی پژوهشگران، اساتید، مهندسان و متخصصان ایرانی به جامعه هدف، بیشتر و مقرون به صرفه‌تر باشد.

چالش‌های موجود در افغانستان

در کنار فرصت‌های فوق‌الذکر، به کارگیری دیپلماسی علم و فن آوری ایران در افغانستان با چالش‌هایی نیز روبروست. از جمله مهمترین این چالش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) وجود ناامنی‌های گسترده: جامعه جنگ‌زده افغانستان بعد از بیش از دو دهه جنگ و خشونت، هنوز درگیر ناامنی و بی‌ثباتی است. وجود شکاف‌های عدیده اجتماعی همچون شکاف‌های قومی، مذهبی و زبانی، پتانسیل خشونت را در این کشور بالا برده است. رقابت میان پشتوزبان‌ها و فارسی‌زبان‌ها، رقابت بین شیعه و سنی، رقابت میان پشتون‌ها، تاجیک‌ها، هزاره‌ها، ازبک‌ها و ده‌ها گروه قومی دیگر هنوز بر مناسبات اجتماعی و سیاسی افغانستان حاکم است و بستر لازم را برای کشمکش‌های احتمالی فراهم می‌نماید (بنگرید به: طنین، ۱۳۸۴). تبعاً چنین شرایطی مشکلاتی را در راه فعالیت‌های علمی و آموزشی ایران در افغانستان پدید می‌آورد. پشتون‌ها که در طول تاریخ، حاکمیت سیاسی افغانستان را در اختیار داشته و با گروه‌های فارسی زبان در رقابت هستند، ممکن است از نفوذ علمی و فرهنگی ایران به عنوان یک کشور فارسی زبان چندان استقبال نکنند و آن را تهدیدی برای موقعیت مسلط خود بدانند. تجربه تشکیل شعب دانشگاه‌های آزاد اسلامی و پیام نور در افغانستان در چهار سال گذشته حاکی از آن است

که بیشترین مقاومت و مخالفت در برابر فعالیت این نهادهای آموزشی از ناحیه پشتوزبان‌ها صورت گرفته است. البته بنا به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، گسترش علم و دانش و کلاً سواد در جوامع چند قومی چون افغانستان، می‌تواند در دراز مدت به فروکش کردن رقابت‌های قومی و ایجاد مناسبات حسنه درون قومی منجر شود و از این طریق صلح و امنیت را برای افغانستان به ارمغان آورد.

ب) حضور قدرت‌های خارجی مخالف ایران در افغانستان: بعد از حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ ایالات متحده آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم، به افغانستان حمله کرد و تا به حال این کشور عملاً تحت اشغال خارجی بوده است. عمده کشورهای حاضر در ائتلاف بین‌المللی مبارزه با تروریسم در افغانستان را کشورهای غربی و آنهایی تشکیل می‌دهند که به نوعی به لحاظ سیاسی با ایران دچار مشکل و یا خصومت هستند. با توجه به نفوذ گسترده آنها در بخش‌های مختلف اداری و حکومتی افغانستان و با توجه به اینکه بخش عمده بودجه افغانستان از طریق کمک‌های بین‌المللی و یا سرمایه‌گذاری همین کشورها تأمین می‌شود، تبعاً این مسأله می‌تواند در راه پیشبرد اهداف علمی و فن آوری ایران در افغانستان مشکلاتی پدید بیاورد. نگرانی مقامات غربی و در رأس آنها ایالات متحده آمریکا از نفوذ فرهنگی و علمی ایران در افغانستان بارها به اشکال مختلف منعکس شده و حتی طبق گفته برخی مقامات وزارت تحصیلات عالی افغانستان، این وزارت‌خانه از سوی آمریکایی‌ها برای عدم همکاری با ایران همواره در معرض فشار بوده است (مصاحبه نگارنده با رئیس موسسات خصوصی وزارت تحصیلات عالی افغانستان).

ج) حضور رقبای نیرومند در عرصه علمی افغانستان: در یک دهه اخیر کشورهای متعددی در پی نفوذ علمی و فرهنگی در افغانستان برآمده‌اند. آمریکایی‌ها دانشگاه آمریکایی کابل را تأسیس کرده‌اند که تا حدودی مورد استقبال قرار گرفته ولی به دلیل مشکلات امنیتی، میزان پذیرش دانشجو در آن محدود بوده است. آمریکایی‌ها تا به حال به بسیاری از محصلین این دانشگاه بورس‌هایی برای ادامه تحصیل در آمریکا داده‌اند. بسیاری از نخبگان جوان افغان از این طریق جذب چنین بورس‌هایی شده‌اند. کشور سوئیس نیز در دو سال گذشته یک دانشگاه بین‌المللی در کابل دایر نموده است. کشور ترکیه در بیشتر ولایات افغانستان مدارس موسوم به «ترک - افغان» تأسیس نموده و سالانه تعداد زیادی از محصلین افغان را بورس نموده و برای بازدیدهای علمی و ادامه تحصیلات به دانشگاه‌های ترکیه می‌فرستد. کشورهای دیگر مانند

پاکستان، هندوستان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی نیز با همکاری برخی از افغان‌ها مبادرت به تأسیس دانشگاه و مؤسسات آموزشی نموده و به لحاظ مالی و علمی و حتی ایدئولوژیک آنها را مورد حمایت قرار می‌دهند. بی‌شک وجود چنین رقبایی می‌تواند برای حضور علمی و آموزشی ایران در افغانستان مشکلاتی ایجاد کند. جمهوری اسلامی ایران جدای از اعطای سالانه ۵۰۰ بورس تحصیلی به دانشجویان افغان، مبادرت به تأسیس شعبی از دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور و جامعه المصطفی در افغانستان نموده است. متأسفانه مقامات رسمی و دولتی آموزش عالی ایران از تشکیل این مؤسسات آموزشی حمایت جدی به عمل نیاورده‌اند، به رغم این تجربه حضور علمی در همین حده نیز قابل تقدیر و تا حدودی موفقیت‌آمیز بوده است.

د) نگاه‌گزینشی و ایدئولوژیک مقامات ایرانی به دیپلماسی علم و فن‌آوری: یکی از چالش‌های جدی در پیشبرد دیپلماسی علم و فن‌آوری ایران در دیگر کشورها به شکل عام و در افغانستان به شکل خاص، نگاه‌گزینشی و ایدئولوژی‌زده است؛ یعنی ما غالباً از منظر صرفاً ایدئولوژیک به مسأله به کارگیری علم و فن‌آوری نگریسته‌ایم. مثلاً در اعطای بورس به افغان‌ها عمدتاً به ملاک‌هایی چون شیعه بودن، طرفدار جمهوری اسلامی بودن، فارسی زبان بودن و... توجه کرده‌ایم و حتی در ارائه کمک‌های فرهنگی و علمی و... بیشتر از این زاویه به مسأله نگریسته‌ایم. البته چنین نگاهی از یک منظر شاید قابل دفاع باشد، اما بدون شک حضور علمی و آموزشی ما را با محدودیت‌هایی مواجه نموده است.

ر) کندی روند دولت‌سازی در افغانستان: دولت کنونی افغانستان برآمده از حوادث پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و اشغال افغانستان و متعاقب آن تشکیل کنفرانس بن در ۲۰۰۱ میلادی است. هرچند این دولت به ظاهر منتخب مردم است، اما نمی‌توان آن را مورد قبول تمام افراد و گروه‌های افغان دانست. نقش غربی‌ها در روی کار آمدن دولت کنونی و وابستگی آن به غرب از یک سو، ضعف و ناتوانی آن در برآورده کردن خواست‌های عمومی و تأمین امنیت، سبب شده که دولت کنونی با مشکلات عدیده‌ای روبرو باشد. نداشتن منابع مالی قابل اتکا، فقدان زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی، تشنگی و پراکندگی میان نخبگان سیاسی، شیوع فساد گسترده در ارکان حکومت، ضعف مدیریت، بی‌اعتمادی مردم به حکومت و... از جمله مشکلات پیش روی دولت کنونی است. بی‌شک پیشبرد هر نوع سیاست علم و فن‌آوری در افغانستان منوط به برنامه‌ریزی و حمایت‌های دولتی و این خود نیز وابسته به تسریع روند

دولت‌سازی است. در نبود یک دولت قوی و نیرومند در افغانستان برنامه‌های علمی و آموزشی چه توسط خود افغان‌ها و چه توسط دیگر کشورها با موانعی برخورد خواهد کرد.

ز) ضعف بنیه علمی و فقدان زیرساخت‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری‌های علمی و آموزشی: به دلایلی که قبلاً نیز بدان اشاره شد کشور افغانستان از بنیه علمی و فن آوری قابل توجهی برخوردار نیست، هرچند این امر می‌تواند به جهاتی نوعی فرصت برای پیشبرد دیپلماسی علم و فن آوری ایران تلقی شود، اما از برخی جهات مشکل‌ساز خواهد بود. تقویت این بنیه زمان بر و دیربازده خواهد بود؛ ضمن آنکه همکاری‌های علمی و آموزشی با افغانستان یک‌سویه خواهد بود و بیشتر به جریان انتقال علم و فن آوری از ایران به افغانستان کمک می‌کند، بدون آنکه متقابلاً ایران هم حداقل به لحاظ علمی و فن آوری، از آن حظ و بهره‌ای ببرد.

نتیجه

به رغم تمام مشکلات فوق‌الذکر، به کارگیری دیپلماسی علم و فن آوری ایران در افغانستان به جهات عدیده‌ای هم برای ایران و هم افغانستان مفید است: نخست، افغانستان طی چند دهه اخیر کانون بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه بوده است و ایران همواره از این بی‌ثباتی‌ها و ناامنی‌ها به انحاء گوناگون متضرر شده است. بدون شک بسیاری از این نابسامانی‌ها در بی‌سوادی و کم‌سوادی جامعه افغانستان ریشه دارد، چیزی که بسیاری از نخبگان افغان نیز بدان اذعان داشته‌اند. به هر میزان علم و فرهنگ در جامعه افغانستان شکوفا شود، به همان میزان می‌توان انتظار داشت که از ناامنی و بی‌ثباتی در این کشور کاسته شود. بنابراین، سرمایه‌گذاری ایران در عرصه علم و فن آوری به نوعی کمک به ثبات و امنیت ایران خواهد بود. دوم، با توجه به اولویت همسایگان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به کارگیری دیپلماسی علم و فن آوری در افغانستان می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مشکلات سیاسی و اقتصادی ما در این کشور باشد. آنگونه که در بالا گفته شد، ما در استفاده از این دیپلماسی دارای مزیت‌هایی هستیم که می‌تواند ما را از سایر رقبا پیش‌اندازد. سوم، یکی از اهداف مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کمک به ملت‌های مستضعف و فقیر است، تبعاً کمک به پیشبرد علم و فن آوری در افغانستان می‌تواند انسان‌دوستانه‌ترین کمکی باشد که ایران می‌تواند به یک کشور فقیر مسلمان داشته باشد. چهارم، افغانستان دارای منابع سرشار و غنی و مردمی مستعد است،

سرمایه‌گذاری در عرصه علم و فن آوری در این کشور می‌تواند راه را برای نفوذ اقتصادی بیشتر ایران هموار و امکان بهره‌برداری از این ذخایر غنی را فراهم نماید. جدای از اینکه ایران از قبل این همکاری به سود اقتصادی دست می‌یابد، راه برای افزایش سطح رفاه خود افغان‌ها نیز فراهم و در نتیجه وابستگی آنها به دول غربی رقیب ایران کمتر خواهد شد. پنجم، یکی از مشکلات جدی جامعه افغانستان افراط‌گری و خشونت است که از یک سو ریشه در برداشت‌های قشری از دین دارد و از سوی دیگر ریشه در سنت‌های ناسالم و تعصبات قومی و قبیله‌ای. بدون شک، گسترش علم و فن آوری می‌تواند در حل این معضل تاریخی افغانستان کمک شایان توجهی بنماید و ایران نیز از ثمرات آن بی‌نصیب نخواهد ماند. ششم، سالانه تعداد زیادی از دانشجویان ایرانی در سطوح کارشناسی ارشد و دکتری فارغ‌التحصیل می‌شوند که برای اشتغال آنها باید تدبیری اندیشید. جامعه کنونی افغانستان شدیداً به چنین تحصیل‌کردگانی که زبان و فرهنگ آن را بدانند نیازمند است. به کارگیری دیپلماسی علم و فن آوری ایران در افغانستان می‌تواند زمینه کار برای تعداد زیادی از فارغ‌التحصیلان ایرانی را فراهم نماید. هفتم، یکی از مشکلات جدی ایران با افغانستان کشت مواد مخدر در این کشور و قاچاق آن به ایران است که آثار زیان‌باری به لحاظ اجتماعی و اقتصادی برای ما داشته است، به زعم بسیاری از صاحب‌نظران، به هر میزان که علم و فن آوری در افغانستان گسترش یابد و زمینه برای اشتغال نیروی انسانی در بخش‌های دیگر اقتصادی مانند صنعت و تجارت و معدن و... فراهم شود، از اشتغال به کشت و فرآوری و قاچاق مواد مخدر نیز کاسته خواهد شد.

در شرایط کنونی بین واقعیات دیپلماسی کشور با اهداف مورد نظر در دیپلماسی علم و فن آوری فاصله بسیار زیادی وجود دارد. بی‌شک توسعه دیپلماسی علم و فن آوری، ظرفیت‌های جدیدی در ارتباطات بین‌المللی کشورمان به وجود خواهد آورد که فراتر و حتی در بعضی موارد عمیق‌تر از دیپلماسی رسمی کشور خواهد بود. به نظر می‌رسد که یکی از وظایف اصلی دستگاه دیپلماسی کشور پرداختن به این مقوله باشد. در این راستا تدابیر و راه‌کارهای ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱- توجه ویژه به ساختار تشکیلاتی دیپلماسی علمی و فن آوری؛ با توجه به چارت سازمانی و تشکیلات اداری وزارت امور خارجه و همچنین خلاء ناشی از نبودن مقوله علم و فن آوری در سطوح بالای مدیریتی وزارت خانه، تأسیس معاونتی در حوزه دیپلماسی علم و فن آوری در سطح وزارت امور خارجه به دلیل شرایط کنونی بین‌المللی و اهمیت همکاری‌های علمی در سطح بین‌المللی بسیار مفید است.

۲- در ساختار سیاست خارجی اغلب کشورها، بعضی مناطق جهان به عنوان منطقه یا کشور هدف در نظر گرفته می‌شوند، به طور مثال ژاپن حوزه کشورهای قاره آفریقا را که دارای منابع معدنی غنی هستند، هدف همکاری‌های فن آوری خود قرار داده است. با توجه به سطح فن آوری کشورمان که دارای غنای مناسب در فن آوری‌های متوسط است، از طریق تربیت دیپلمات‌های علمی و پیگیری دیپلماسی علم و فن آوری، می‌توان در ساختار سیاست خارجی بستر همکاری‌ها و انتقال فن آوری‌های سطح متوسط و پایین را به مناطقی چون افغانستان و آسیای میانه و... فراهم کرد. توجه به حضور افراد آگاه در زمینه علم و فن آوری در نمایندگی‌های خارج از کشور می‌تواند در شناسایی حوزه‌های همکاری علمی و فن آوری در کشورهای مختلف مؤثر باشد.

۳- با توجه به اینکه در کشور «ستاد توسعه دیپلماسی علم و فن آوری» به همت معاونت علمی و فن آوری رئیس جمهور و با حضور دستگاه‌های ذی‌ربط شکل گرفته است، برای تحقق و تأمین منافع ملی از طریق دیپلماسی علمی و فن آوری آموزش و تعمیق اطلاعات و تحلیل‌های اعضای نمایندگی‌های خارج از کشور در زمینه علم و فن آوری بسیار حائز اهمیت است. در واقع، از طریق همکاری تنگاتنگ با اعضای نمایندگی‌های دیپلماسی کشور می‌توان ظرفیت‌های موجود علم و فن آوری در کشور را در سطح بین‌الملل، به فعل درآورده و نیازهای این حوزه را نیز از طریق برقراری همکاری‌های علمی تأمین کرد.

۴- پیشنهاد می‌شود یکی از ملاک‌های ارزیابی در وزارت امور خارجه و در ارتباط با کشورها، فعالیت‌ها و ظرفیت‌های علمی و فن آوری نمایندگی‌ها باشد و در عین حال در نهادهایی همچون «کمیسیون علم و فن آوری ملل متحد برای توسعه» (UN-CSTD)، «مرکز آسیا-اقیانوس آرام برای انتقال فن آوری» (APCTT)، «سازمان مالکیت معنوی جهانی» (WIPO) و غیره، همچون دیگر کشورها، کارشناسانی از جامعه علمی ما حضور داشته باشند.

منابع

الف) فارسی

- پورتال سازمان انرژی هسته‌ای ایران.
http://www.aeoi.org.ir
- پورتال دانشگاهی کشور.
http://www.unp.ir/
- پورتال وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.
http://www.medu.ir
- پورتال وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، سازمان جغرافیائی نیروهای مسلح.
http://www.mod.ir
- پورتال وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری.
http://www.msrt.ir
- داودی، علی اصغر، (۱۳۹۳/۵/۲۰)، مصاحبه با رئیس موسسات خصوصی وزارت تحصیلات عالی افغانستان.
- داودی، علی اصغر، (۱۳۸۱)، «جهانی شدن و چالش حاکمیت‌های ملی»، فصلنامه نقد و نظر، شماره ۱۱.
- داودی، علی اصغر، (۱۳۹۱/۷/۱)، «نگاهی آسیب‌شناسانه به روابط ایران و افغانستان»، وبسایت مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
http://peace-ipsc.org
- سردار رحیمی، محمد، (۱۳۹۰)، *ژئوپلتیک افغانستان*، کابل: انتشارات میوند.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی، (۱۳۹۲)، «اطلس جامع علمی کشور»، پورتال دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی کشور.
- http://www.iranculture.org
- شورای عالی انقلاب فرهنگی، (۱۳۸۵)، «نگاهی به وضعیت علم و فن آوری در جمهوری اسلامی ایران»، پورتال دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی کشور.
http://www.iranculture.org
- طنین، ظاهر، (۱۳۸۴)، *افغانستان در قرن بیستم*، تهران: انتشارات عرفان.
- عظیمی، محمد عظیم، (۱۳۹۱)، *مدخلی بر جغرافیای سیاسی افغانستان*، کابل: انتشارات سعید.
- متقی، ابراهیم، (۱۳۷۸)، *سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۴)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: سمت.
- وبسایت خبرآنلاین
<http://www.Khabaronline.ir>
- وبسایت خبری تابناک.
<http://www.tabnak.ir>
- وبسایت موسسه پژوهشی رویان.
<http://www.royaninstitute.org>
- وبسایت وزارت تحصیلات عالی افغانستان.
<http://www.mohe.gov.af>
- وبسایت وزارت زراعت و آبیاری و مالداري افغانستان.
<http://mail.gov.af>
- وبسایت وزارت معادن افغانستان.
<http://mom.gov.af>
- وبسایت وزارت معارف افغانستان.
<http://moe.gov.af>
- هادیان، ناصر، (۱۳۹۲)، «انتظار جامعه علمی از دستگاه دیپلماسی کشور»، دیپلماسی ایرانی.
<http://www.irdiplomacy.ir>

(ب) انگلیسی

- Barston, R.P. (1988), *Modern Diplomacy*, London: Longman.